

اتحادیه های کارگری و روابط کار در کوبا

کامران نیری

(بخش اول)

این نوشته، بررسی‌یی است از گزارش خانم دبرا اوونسون که با عنوان «کارگران در کوبا: اتحادیه ها و روابط کار»، که به سال ۲۰۰۲ در ایالات متحده، منتشر شده است. (۱) این گزارش، پژوهشی ارزنده از شرایط اتحادیه ها و روابط کار در کوبا است که نویسنده طی یک سال، در فاصله بین ماه مه ۲۰۰۰ و ماه مه ۲۰۰۱، در این کشور انجام داده است. شیوهی این کار پژوهشی را ترکیب مطالعهی کتب و مقالات مربوطه، متون قانون کار، گزارشات و مصوبات اتحادیه های کارگری، احکام و مقررات دولتی و گزارشات مطبوعاتی در مورد مسایل کارگری، با انجام مصاحبه با رهبران و فعالین جنبش کارگری، و نظارت بر جلسات اتحادیه های کارگری و مجامع کارگران و مشاهدهی مستقیم از محیط کار در کارخانجات تشکیل می‌دهد.

اهمیت پژوهش اوونسون به دلیل بررسی مفصل و موشکافانهی اوست از شش حوزهی روابط کار در کوبا: ۱- استخدام و اشتغال؛ ۲- حقوق و مزایا؛ ۳- قراردادهای جمعی؛ ۴- رسیدگی به شکایات؛ ۵- تامین اجتماعی و مزایای دیگر؛ و ۶- روابط کار در شرکتهایی که با مشارکت سرمایهی خارجی فعالیت می‌کنند. هر یک از این موارد به صورت یک فصل از گزارش ارائه شده است و روی هم رفته تصویری زنده از شرایط قانونی، واقعی و تاریخی کارگران و اتحادیه های کارگری در کوبا به دست می‌دهد. اوونسون گزارشش را با دو فصل مقدماتی آغاز می‌کند، تا فصل‌های فوق‌الذکر را در چهارچوب دینامیسم تاریخی و کنونی انقلاب کوبا قرار دهد. فصل اول، «زمینه»، به مروری کوتاه بر تحولات اقتصاد سیاسی و روابط کار در کوبا می‌پردازد، تا خواننده را با شرایط کنونی و توصیف آن بهتر آشنا کند. فصل دوم گزارش به بررسی مختصری از «مرکز کارگران کوبا»، که کنفدراسیونی متشکل از ۱۹ اتحادیهی کارگری سراسری است، اختصاص داده شده است؛ چرا که این تشکل کارگری در بررسی اوونسون نقش کلیدی را به عهده دارد و آشنایی با آن برای خواننده لازم است. این نوشته نیز با همین تقسیم بندی اوونسون تهیه شده است. در بخش اول - یعنی نوشتهی حاضر - من به مطالب دو فصل اول گزارش می‌پردازم. بخش دوم نوشته، که در دفتر بعدی «نگاه» خواهد آمد، به شش فصل بعدی گزارش اختصاص خواهد داشت.

کارگران و انقلاب سوسیالیستی

فصل اول گزارش اوونسون - «زمینه» - با اشاره‌ای به تحولات اساسی مناسبات کار در کوبا، که هم گام با آغاز دگرگونی‌های سوسیالیستی در

اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ بود، شروع می‌شود. امواج ملی سازی‌ها، که با ابتکار و شرکت توده‌ی کارگری هم راه بود، ابزار تولید و توزیع اجتماعی و اهرم‌های مالی، اعتباری و هم چنین تجارت خارجی را در دست دولت انقلابی، که بر پایه‌ی خیزش کارگران و زحمت کشان به قدرت رسیده بود و پاسخ گوی خواستها و نیازهای شان بود، متمرکز کرد. اوونسون می‌گوید: «کارگران که اکنون خود را در مقام "صاحبان" می‌دیدند، در اشغال کارخانجات ملی شرکت داشتند و بسیاری خود را در موقعیت مدیران یافتند.» (اوونسون، ۲۰۰۲، صفحه ۱) هم زمان، دولت انقلابی دست به کار جامه‌ی عمل پوشاندن به چشم انداز سوسیالیستی («از بین رفتن تضاد بین استخدام کننده و استخدام شونده») شد. (همان جا)

به این ترتیب، کارگران کوبایی در ادامه‌ی پویش انقلاب سوسیالیستی به حقوق همگانی ارزنده‌ای دست یافتند، که هنوز در دسترس بخش عظیمی از کارگران جهان، حتا در کشورهای صنعتی سرمایه داری‌یی مانند ایالات متحده، نیست: مثل حق اشتغال، حقوق مساوی در ازای کار مساوی، تامین اجتماعی همگانی، یک ماه مرخصی با حقوق در سال، مرخصی هنگام بیماری یا حاملگی، بهداشت و درمان، و آموزش و پرورش همگانی و رایگان. انقلاب کوبا، شرایط خرد و کلان زندگی و کار را به طرز بارز و در جهتی سوسیالیستی تغییر داد.

البته تاریخ انقلاب کوبا بدون فراز و نشیب نبوده است. بررسی اوونسون نیز با تمرکز بر اقتصاد سیاسی و روابط کار به طور غیر مستقیم نشان می‌دهد، که فرآیند کنترل کارگری هنوز کاملاً جا نیفتاده است و امر خطیر مدیریت کاری هنوز وظیفه‌ای است در برابر جنبش کارگری و کمونیستی کوبا. از سوی دیگر، رهبری انقلاب کوبا نیز با تدقیق یک استراتژی یک پارچه، روشن و قاطع سیاسی و اجتماعی که به طور مستمر توسعهی سوسیالیستی، از جمله امر مهم کنترل و مدیریت کارگری را حمایت و تقویت کند، روبروست. بررسی موانع توسعهی سوسیالیستی از حوصله‌ی گزارش اوونسون و نوشتهی حاضر، که به بررسی این گزارش محدود است، خارج می‌باشد. صرفاً اشاره کنم، که مجموعه‌ای از عوامل عینی (چون عقب افتادگی اقتصادی ناشی از استعمار و امپریالیسم، حلقه‌ی محاصره‌ی اقتصادی ایالات متحده که از همان سال‌های اول انقلاب به وجود آمد و هنوز با شدت ادامه دارد، وجود دیوان سالاری به علت سطح نازل بارآوری کار که ناشی از این شرایط است)، به علاوه‌ی مجموعه‌ای از عوامل ذهنی (چیرگی استالینیسم و سوسیال دموکراسی بر جنبش کارگری و سوسیالیستی در قرن بیستم)، جلوی تفکیک طبقاتی و توسعهی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در نتیجه سیاسی - سوسیالیستی را گرفتند. خواننده‌ی علاقه مند می‌تواند برای توضیحات بیشتر به نوشته‌ی مفصل‌تری از من (نیری، ۲۰۰۰) رجوع کند. نوشته‌ی حاضر بیشتر توجه به نیروها، شرایط و امکاناتی دارد، که رهایی از این شرایط و تعمیق فرآیند انقلاب سوسیالیستی را میسر می‌سازند.

۲- رهبری و مشی توسعهی سوسیالیستی

رهبری تاریخی انقلاب کوبا، که طی سال‌های ۵۹-۱۹۵۳ حول یک برنامه‌ی دموکراسی انقلابی شکل گرفت (کاسترو، ۱۹۵۳)، به یک استراتژی پرولتری انقلابی نیز مجهز بود. به عنوان مثال، در «رهنمود شماره‌ی یک» رهبری «جنبش ۲۶ ژوئیه» به اعضای آن، که طی جنگ انقلابی علیه دیکتاتوری باتیستا در اواخر سال ۱۹۵۷ صادر شد در مورد هدف فوری و شیوه‌ی کار آن می‌خوانیم: «الف: سرنگون سازی باتیستا توسط عمل توده‌ای مردم. این امر با صرفاً سرنگونی او یکی نیست. ب: تثبیت ابزار انقلابی جهت اجرای برنامه‌ی انقلاب: این هم توسط عمل توده‌ای مردم. این امر با صرفاً ایجاد

یک حزب جدید یک سان نیست» (هارت، ۲۰۰۴، صفحه ۲۰۶). تأکیدات از من است) به این ترتیب، زمانی که این رهبری در ژانویه ۱۹۵۹ به قدرت رسید، از یک سو به قدرت توده‌ی کارگر و زحمت کش متکی بود و از سوی دیگر به خواسته‌های آنان جواب گو. انقلاب کوبا در برابر کارشکنی‌های بورژوازی و امپریالیسم، که به سرعت به تشکل یک جبهه ضد انقلاب منتهی شد، مسیری ضد سرمایه داری اتخاذ کرد. روز شانزدهم آوریل ۱۹۶۲، در مراسم تدفین هفت رزمندگی کوبایی که طی حملات هوایی ایالات متحده کشته شده بودند، فیدل کاسترو در گورستان کولون هاوانا، کاراکتر سوسیالیستی انقلاب کوبا را رسماً تأیید کرد. (کاسترو، ۱۹۶۲)

طی سال‌های اول دهه ۱۹۶۰، رهبری فیدل کاسترو موفق شد که تدریجاً گرایش‌های سوسیالیستی در کوبا را در حزب کمونیست، که به سال ۱۹۶۵ متشکل شد، گرد هم آورد. این حزب متشکل از «جنبش ۲۶ ژوئیه»، «رهبری دانش جویی» و «حزب سوسیالیست مردمی»، طرف دار مسکو، بود. در واقع، از هر سه گروه تنها بخشی در تداوم انقلاب پایدار ماندند و متحد شدند. اما این رهبری به طور عمده از یک استراتژی منسجم و روشن سیاسی و اقتصادی برای گذار به سوسیالیسم برخوردار نبود. در نتیجه، سال‌های ۶۵-۱۹۶۲ به بحث در مورد چنین استراتژی‌یی گذشت. در این بحث دو دیدگاه متفاوت مطرح شدند. یک دیدگاه از جانب کارلوس رافائل رودریگز از رهبران حزب سوسیالیست مردمی بود، که در واقع خطوط کلی الگوی اتخاذ شده در اتحاد شوروی را پیشنهاد می‌کرد. طبق این نظر، کارگران اساساً به آگاهی سوسیالیستی دست نیافتند و رهبری انقلاب می‌باید نظام سیاسی و اقتصادی را بر اساس این واقعیت شالوده ریزی کند. رودریگز خواهان یک نظام برنامه ریزی متمرکز بود، که در آن واحدهای اقتصادی با انگیزه سودآوری و کارگران با انگیزه‌های مادی تشویق به فعالیت می‌شدند. هیات برنامه ریزی کشوری، اهداف کلی و جزئی اقتصادی را تعیین می‌کرد و واحدهای اقتصادی و کارگران طبق انگیزه‌های اقتصادی خود در اجرای این طرح‌ها می‌کوشیدند.

در مقابل، ارنستو چه گوارا استدلال می‌کرد، که الگوی توسعه باید علاوه بر توجه به سطح آگاهی کنونی توده‌ی کارگر در جهت ارتقای آن به آگاهی سوسیالیستی عمل کند. انقلاب سوسیالیستی تنها بر این فرآیند ارتقای آگاهی، توسعه می‌یابد و سرانجام به ایجاد یک جامعه سوسیالیستی می‌انجامد. پیشنهاد چه گوارا این بود که برنامه ریزی مرکزی، مشارکت و اتحاد کارگران را تقویت کند. از این رو، او خواهان «سیستم مالی بودجه‌ای» بود. به این معنی، که کسر و اضافه‌ی واحدهای تولیدی را به بودجه سراسری کشور جذب کند، در عین حال که واحدهای تولیدی و گروه‌های کارگران هم به لحاظ انگیزه‌های مادی و هم توسط انگیزه‌های اخلاقی (سیاسی) بسیج شوند، تا تولید را بهتر و بیش‌تر کنند. در این زمینه، چه گوارا یک رابطه دیالکتیکی بین رهبری انقلاب و توده‌ی کارگر را مد نظر می‌گرفت که تقویت یکی، دیگری را ارتقا دهد و برعکس ارتقای آن دیگری باعث تقویت اولی شود.

این بحث سیاسی به «جدل انگیزه‌ی مادی یا انگیزه‌ی اخلاقی» معروف شد. رودریگز بر انگیزه‌های مادی تأکید می‌کرد و چه گوارا بر اهمیت انگیزه‌های اخلاقی (سیاسی). اگر چه نظر چه گوارا در رهبری کوبا دست بالا را گرفت، اما پس از مرگ او کاربرد این نظرات به نحوی ماورای چپ عمدتاً بر انگیزه‌های اخلاقی و بسیج‌های سیاسی اتکا کرد. نتیجه‌ی این امر، شکست برنامه‌ی پیش بینی شده برای صنعت نیشکر به سال ۱۹۷۰ شد. متعاقب این امر، اکثریت رهبری انقلاب کوبا تمایل به اتکا به انگیزه‌های مادی و استفاده از الگوی توسعه‌ی اتحاد شوروی و اروپای شرقی پیدا کرد. اوونسون به اثرات زیان بار اتخاذ الگوی شوروی اشاره می‌کند. او از

«ماهیت دیوان سالار» این الگو، که به «طرزی افراطی» تصمیمات اساسی را به دوایر مرکزی دولت محدود می‌کند و امکان و انگیزه «مدیریت و اتحادیه‌های کارگری» را برای افزایش بارآوری کار و کیفیت کالا و هزینه‌ها» از میان می‌برد، شکایت می‌کند. (اوونسون، ۲۰۰۲، صفحه ۲)

البته رهبری انقلاب کوبا، بعد از چند سال تجربه با این الگوی توسعه، متوجهی نقایص آن شد. کنگره سوم حزب کمونیست کوبا، که به سال ۱۹۸۵ تشکیل شد، به بحث و نقد این تجربه پرداخت و سرآغاز چرخشی به سمت اتخاذ مجدد استراتژی توسعه‌ی سوسیالیستی چه گوارا شد. کنگره سوم، «کارزار اصلاح اشتباهات» را سازمان داد، که هدف مرکزی آن درگیری هر چه بیش‌تر کارگران در امور تولید و جامعه بود. این واقعیت که الگوی اتخاذ شده از اتحاد شوروی، فساد و یاس سیاسی را در بین کارگران دامن زده بود، بر نیاز به «کارزار اصلاح اشتباهات» تأکید می‌کرد.

اما بحران اقتصادی عمیقی که به دنبال فروپاشی دستگاه دیوان سالار حاکم بر اتحاد شوروی و اروپای شرقی از سال ۱۹۸۹ شروع شد، امکان تداوم این جهت گیری سوسیالیستی را موقتاً نفی کرد. ۷۵ درصد از تجارت خارجی کوبا و ۸۵ درصد از واردات این کشور از طریق قراردادهای با کشورهای بلوک شوروی بود. در نتیجه، طی سال‌های ۹۴-۱۹۸۹، تولید ناخالص داخلی بیش از ۴۰ درصد تنزل یافت. این امر به تعطیلی کارخانجات بسیاری انجامید و چرخ تولید را - که بر اساس انرژی حاصل از نفت وارداتی از شوروی می‌چرخید - متوقف یا در بهترین حالت بسیار آهسته کرد. این شرایط بحران اقتصادی، حتا امکان تداوم تعهد دولت به ایجاد اشتغال برای همه را نفی می‌کرد.

۳- عقب نشینی تاکتیکی و تحولات در روابط کار

در این شرایط بود، که رهبری انقلاب کوبا در هم گامی با نهادهای توده‌ای، به ویژه «مرکز کارگران کوبا» (کنفدراسیون کارگری این کشور)، یک عقب نشینی تاکتیکی را سازمان داد. این عقب نشینی شامل اصلاحات اقتصادی می‌شد، که برخی فعالیت‌های اقتصادی - که به نحوی آگاهانه (اگر چه با اشکال) برنامه ریزی می‌شدند - را با روابط بازار و پول جایگزین می‌کرد. از جمله این‌ها بودند: قانونی کردن دلار (در نتیجه، ایجاد دو دست فعالیت‌های اقتصادی؛ یکی بر اساس دلار و دیگری بر اساس پزو)؛ گسترش سریع و وسیع توریسم، جایگزینی قانون سرمایه گذاری خارجی سال ۱۹۸۲ با قانون سال ۱۹۹۵، که همه بخش‌های اقتصادی جز آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و امور دفاعی و نظامی را به روی سرمایه گذاری خارجی به شرط توافق دولت باز می‌کرد، گسترش وسیع فعالیت‌های اقتصادی فردی یا خانوادگی (استخدام فردی توسط فرد دیگر ممنوع است)؛ تبدیل مزارع کشاورزی دولتی به تعاونی‌های کشاورزی؛ و اجازه به گسترش فعالیت‌های بازار تولید کشاورزی و صنایع دستی.

واقعیت شایان توجه این است، که این عقب نشینی تاکتیکی که در هم کاری و هم دلی رهبری انقلاب کوبا و توده‌ی مردم زحمت کش - به ویژه کارگران و اتحادیه‌های کارگری - برنامه ریزی و اجرا شد، توانست علی رغم تشدید محاصره اقتصادی ایالات متحده، جلودار تعمیق بحران اقتصادی خطرناک اوایل دهه ۱۹۹۰ شود. اقتصاد کوبا از سال ۱۹۹۴ تا به کنون تدریجاً، اما به طور مداوم، رو به رشد و توسعه بوده است. (نگاه کنید به جدول ۱)

در این حال، اگر چه گسترش دامنه‌ی عمل کرد بازار پول به نابرابری‌های گوناگون هم راه با میزانی از شرایط کمبود زندگی دشواری برای اقشار لطمه پذیر چون بازنشسته‌ها به وجود آورده است، اما کوبایی‌ها توانست‌اند

که دستاوردهای عمده انقلاب - آموزش و پرورش و بهداشت و درمان - را نه تنها حفظ کنند، که در شرایط بحرانی در جوانی نیز گسترش دهند. (نیری و ملدون، ۲۰۰۴)

جدول یک: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۹۰

سال	نرخ رشد
۱۹۹۰	۲/۹-
۱۹۹۱	۱۰/۷-
۱۹۹۲	۱۱/۶-
۱۹۹۳	۱۴/۹-
۱۹۹۴	۰/۷
۱۹۹۵	۲/۵
۱۹۹۶	۷/۸
۱۹۹۷	۲/۵
۱۹۹۸	۱/۲
۱۹۹۹	۶/۲
۲۰۰۰	۵/۶
۲۰۰۱	۳/۰

ماخذ: آمار تولید ناخالص داخلی از مارتینس، ۲۰۰۳، صفحه ۱۷۵، اخذ شده است. محاسبه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از من است.

بهتری واقع شده‌اند، چرا که مصوبات سال ۱۹۹۸ به آن‌ها حق وتو در واحدهای اقتصادی را می‌دهد. این‌ها باید در همه جوانب ارزیابی واحد اقتصادی شان از طرح فعالیت اقتصادی واحد تا امر بازاریابی و نقدینگی آن، تا استفاده بهینه از نیروی کار، شیوه مدیریت و طبقه بندی حقوقها مورد مشورت قرار بگیرند. البته اتحادیه های کارگری هم چون سابق در امر موفقیت واحد اقتصادی هم از طریق فقط منافع بخشی کارگران و هم به لحاظ منافع طبقاتی و اجتماعی آنان سهم هستند. در نتیجه، اتحادیه های کارگری به معنای واقعی امکان دارند که با تقویت علائق فردی و جمعی کارگران، آن‌ها را برای جایگزینی نقش مدیریت و ادارات دولتی هم راه با اعتلای کارآیی و بارآوری بیشتر واحدهای اقتصادی آماده کنند. اتحادیه های کارگری به این ترتیب، به ابزار تحول مالکیت دولتی به مالکیت اجتماعی (سوسیالیستی) تبدیل خواهند شد؛ امری که در گرو به دست گرفتن نه تنها تولید، که توزیع اجتماعی توسط توده کارگرانی است، که در یک طبقه اجتماعی آگاه متشکل شده‌اند. اما رهبری «س. ت. س.» بدون پرده پوشی اذعان دارد، که «هنوز در بسیاری از واحدهای کار، رهبری کارگری غیر فعال و کم رفق است.» (اونسون، ۲۰۰۲، صفحه ۱۵) واحدهای اقتصادی «اس. پ. ا.» بدون شک نه تنها امکانات، که خطراتی را برای جنبش کارگری کوبا مطرح می‌کنند. اما تنها از طریق چنین چالشی است، که توده کارگری با اخذ تجربه و اعتماد به نفس راه به جلو را هموار خواهد کرد.

از سال ۱۹۹۵، طرح «اس. پ. ا.» به تدریج در دیگر بخش‌های اقتصاد کوبا پیاده شده است. اونسون گزارش می‌دهد که تا ماه مه ۲۰۰۱، ۱۱۵ واحد اقتصادی از مجموع ۳۰۰۰ واحد زیر پوشش این طرح قرار گرفته بودند و ۶۷۵ واحد دیگر در مراحل نهایی آماده شدن برای این تحول بودند (یک شرط تبدیل واحد اقتصادی به «اس. پ. ا.»، توافق کارگران و اتحادیه کارگری است). لازم به توضیح است که طرح «بهبودی مدیریت واحدهای اقتصادی»، نقش رهبری دولت انقلابی را نفی نمی‌کند: وزارت برنامه ریزی اقتصادی و دیگر بدنه های کشوری هم چنان در تصمیم گیری های مربوط به اقتصاد کلان و توسعه و مشی مالی و بودجه و استراتژی سرمایه گذاری و تعیین اولویت های کشور سهم اساسی دارند. و وزارت کار و امنیت اجتماعی، نقش مرکزی در تعیین سیاست های کارگری چون طبقه بندی حقوق، اشتغال، بهداشت و ایمنی محیط کار را ایفا می‌کند.

به سال ۱۹۸۲، کوبا در پی تصمیم اتحاد شوروی به پذیرش سرمایه گذاری خارجی، قانونی را وضع کرد که امکان سرمایه گذاری خارجی محدودی را فراهم آورد. اما فعالیت جدی جهت جذب سرمایه خارجی، تا سال ۱۹۹۰ و شروع بحران اقتصادی صورت نگرفت. به سال ۱۹۹۵، کوبا قانون جدیدی برای جلب سرمایه خارجی وضع کرد، که اجازه کنترل واحد اقتصادی را به سرمایه داران می‌داد و جز آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و نیروهای مسلح، سرمایه گذاری خارجی را در سایر بخش های اقتصادی بلامانع می‌داند. خود مفهوم سرمایه گذاری نیز وسیع تر عنوان شده است و در برگیرنده سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم (سهام و سایر اوراق بهادار) می‌شود. در پایان سال ۲۰۰۰، در کوبا ۳۹۲ شرکت با سرمایه مخلوط موجود بود که جمعاً ۵ درصد نیروی کار را در استخدام داشت. بنا به خواست «س. ت. س.»، نه تنها این شرکتها ملزم به فعالیت تحت قوانین کار کوبا هستند، بلکه مدیریت این شرکتها اجازتی استخدام مستقیم نیروی کار را ندارد. هر شرکت با سرمایه خارجی ملتزم است، که از طریق یک «موسسه استخدام» - که توسط کارکنان کوبایی اداره می‌شود - نیروی کار را شناسایی، بررسی و استخدام کنند. «موسسه استخدام»، تقاضای کار افراد علاقه مند به استخدام در شرکت های مخلوط

اصلاحات اقتصادی دهه ۱۹۹۰ به لحاظ نوع مدیریت و شرایط و روابط کار، واحدهای اقتصادی کوبا را به سه دسته تقسیم کرده است. بعد از تجربه منفی با الگوی متمرکز دیوان سالار توسعه ای اتخاذ شده از اتحاد شوروی، رهبری انقلاب کوبا به این نتیجه رسید که اهداف کلی برنامه ریزی مرکزی با دخالت کمتر در جزئیات برنامه ریزی، بهتر و بیشتر قابل حصول هستند. استدلال بر این بود، که اگر واحدهای اقتصادی اختیارات و امکان عمل بیشتر داشته باشند و کارگران و اتحادیه های کارگری مداخله و مشارکت بیشتری کنند، امکان توفیق طرح توسعه بیشتر خواهد بود. از سال ۱۹۸۷، «نیروهای مسلح انقلاب» (ارتش کوبا)، که زیر نظر رائل کاسترو است، طرح «بهبودی مدیریت واحدهای اقتصادی» (sistema de perfeccionamiento de presarial) یا «اس. پ. ا.» را تدریجاً در واحدهای اقتصادی تحت کنترلش پیاده نمود. ایده ای اساسی «اس. پ. ا.» این است، که اگر چه به لحاظ مالی واحدهای اقتصادی مستقل عمل نمی‌کنند، اما مدیریت و کارگران و اتحادیه های کارگری از ابتکار عمل بیشتری برخوردار است. در این واحدها، ارزیابی ظرفیت تولید، برنامه ریزی تولید و امر تولید توسط مدیریت و کارگران انجام می‌شود و هر دو طرف انگیزه های مادی برای افزایش و بهسازی تولیدات دارند. روابط مدیریت و کارگران و اتحادیه ها، که در واحدهای اقتصادی معمول با مداخله وزارت خانه های مربوط هم راه بود، در واحدهای «اس. پ. ا.» عمدتاً از طریق مذاکرات دو طرف و در فرآیند عقد پیمان دسته جمعی تعیین می‌شود. در واحدهای «اس. پ. ا.»، مدیریت صاحب اختیارات و مسئولیت های جدیدی است، که سابق نداشت. در نتیجه، کارگران و اتحادیه ها می‌باید امر مقابله با مشی نامطلوب از جانب مدیریت را جدی تر بگیرند. در عین حال، طرح «اس. پ. ا.» مشارکت فعال کارگران را الزامی می‌کند. اتحادیه های کارگری به لحاظ قانونی در وضع

را بررسی می‌کند و لیستی از داوطلبان صالح را در اختیار مدیریت می‌گذارد؛ اما تصمیم استخدام با مدیریت است. در این نوع از شرکتها، اتحادیه‌ها با مدیریتی روبرو هستند که تنها با انگیزه سود درگیر فعالیت اقتصادی است. به علاوه، مدیران خارجی با خود تبعیضات ویژه کشور و فرهنگ بورژوازی خود را حمل می‌کنند. به عنوان مثال، چند سال قبل کارگران «هتل پارک سنترال» دست به اعتراض علیه مدیریت زدند و آن را به تبعیض علیه کارگران بر اساس رنگ پوست و سن متهم کردند. در مذاکراتی که انجام شد، اتحادیه موفق شد تا مدیران را عوض کند. اما تجربه اتحادیه‌ها با سرمایه‌های خارجی همیشه هم راه با مشکلاتی از این دست نبوده است. سرمایه‌گذاری خارجی در شرایط بحران اقتصادی هم برای کارگران به عنوان افراد و هم برای اقتصاد و جامعه در کل با افزایش استخدام، تولید و ارتقای فن و تکنیک نقش مثبتی ایفا کرده است. در نتیجه اتحادیه‌ها به جای تخصص، رویه‌ی تحمل و نظارت بر مدیریت در این واحدها را پیش گرفته‌اند. اما در این واحدها بیش از همه جا نیاز به اتحادیه‌ی مستقل و قدرت مند احساس می‌شود.

واحدهای اقتصادی که تحت مدیریت خارجی هستند یا مشمول طرح «بهسازی مدیریت واحدهای اقتصادی» شده‌اند، هنوز اقلیت هستند. اکثر واحدهای اقتصادی در کوبا هنوز با نظم گذشته‌ی حاکم بر محیط کار فعالیت می‌کنند. در بخش بعدی این نوشته، من تصویری از این شرایط و روابط کار در ضمن بررسی گزارش اوونسون ارائه خواهم داد. اما در این جا لازم است، اشاره شود که حتی در این واحدهای اقتصادی نیز تاثیر قانون ارزش کار از طریق رابطه‌ی مستقیم‌تر از سابق با بازار جهانی سرمایه داری بیشتر از پیش احساس می‌شود. دولت کوبا در طی دهه‌ی ۱۹۹۰، تدریجاً سوبسید به واحدهای اقتصادی را قطع کرده است. به سال ۲۰۰۰، تنها ۵ درصد از واحدهای اقتصادی هنوز از دولت سوبسید دریافت می‌کردند. در نتیجه، مدیریت و نیروی کار واحدهای اقتصادی تنها در شرایط بهسازی آن‌ها می‌توانند موفق باشند. البته صنایع و واحدهای اقتصادی، که به دلایل خارج از کنترل کارکنان آن با بحران روبرو می‌شوند، از حمایت دولت برخوردار هستند. یک نمونه‌ی آموزنده، تجدید سازمان صنعت شکر در کوبا است، که از سپتامبر ۲۰۰۲ شروع شده است. در نتیجه‌ی این تجدید سازمان، ۷۰ تصفیه‌خانه‌ی شکر از مجموع ۱۵۵ واحد تعطیل شد؛ ۱/۳۸ میلیون هکتار زمین از زیر کشت نیشکر خارج شد و به کاشت دیگر محصولات یا دام پروری اختصاص داده شد؛ و تعداد کارگران شاغل در این صنعت حدود ۱۲۰ هزار نفر کاهش یافت. در نوشته‌ی «تجدید سازمان صنعت نیشکر در کوبا - که در همین دفتر «نگاه» آمده است - من مختصراً علل، نحوه و نتایج این سازمان دهی از نو را با توجه به نقش «اتحادیه‌ی کارگری» و روابط کار در این صنعت بررسی می‌کنم.

۴- اتحادیه‌های کارگری در کوبا

فصل دوم گزارش اوونسون، اطلاعات با ارزشی را در مورد نحوه‌ی شغل، تعیین مشی و فعالیت‌های «مرکز کارگران کوبا» در اختیار خواننده می‌گذارد. اوونسون هم چنین به رابطه‌ی «س.ت.س.» با حزب کمونیست و دولت انقلابی می‌پردازد.

«س.ت.س.» به سال ۱۹۳۹ تاسیس شد. طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، حزب سوسیالیست مردمی (پیرو مسکو) در «س.ت.س.» نفوذ یافت. اما در دهه‌ی ۱۹۵۰، «س.ت.س.» به انقیاد دیکتاتوری باتیستا در آمد. شرکت و رادیکالیزاسیون کارگران در انقلاب ۱۹۵۹، و سپس توسعه‌ی ضد سرمایه داری و سوسیالیستی این انقلاب، «س.ت.س.» را

متحول کرد. جهت گیری سوسیالیستی انقلاب کوبا به رابطه‌ی جدیدی بین «س.ت.س.»، دولت انقلابی و حزب کمونیست انجامید. «س.ت.س.» متشکل از ۱۹ اتحادیه‌ی کارگری سراسری است (نگاه کنید به جدول شماره‌ی دو) و انجمن سراسری مخترعین و مبتکرین نیز به آن تعلق دارد. حدود ۹۸ درصد از کارگران کوبایی عضو «س.ت.س.» هستند. اتحادیه‌های کارگری سراسر کوبا، کارگران را در یک یا چند صنعت به طور یک پارچه متشکل می‌کنند. به عنوان مثال، «اتحادیه‌ی سراسری کارگران بهداشت و درمان» همه کارگران و کارکنان بیمارستان‌ها، درمان گاه‌ها، آزمایش گاه‌های پزشکی، موسسات تحقیقاتی پزشکی و کادر پشتیبانی آنان در «وزارت سلامت همگانی» را مشمول می‌شود. یا کارگران مزارع نیشکر، تصفیه خانه‌ها و کارگران تعاونی‌های تولید نیشکر، و کادر پشتیبانی آنان در «وزارت شکر»، جزء «اتحادیه‌ی سراسری کارگران شکر» هستند.

جزیی‌ترین بدنه‌ی اتحادیه‌ی کارگری «بخش» است، که حداقل ده عضو دارد. اگر واحد کار کمتر از ده کارگر داشته باشد، چند واحد اقتصادی مشابه یک بخش را به وجود می‌آورند. اگر واحد اقتصادی بزرگ باشد و چند بخش در آن به وجود آید، این‌ها در سطح واحد اقتصادی به صورت یک «بور» متشکل می‌شوند. اتحادیه‌های کارگری در سطح هر شهر، واحد شهری و در هر استان، واحد استانی و در سطح کشور، اتحادیه‌ی سراسری کارگری خود را متشکل می‌کنند. اتحادیه‌های کارگری کوبا با حق عضویت کارگران اداره می‌شوند. حق عضویت هر کارگر حدود یک درصد حقوق ماهانه‌ی اوست، اما از چهار پزو در ماه نمی‌تواند تجاوز کند. عضویت در اتحادیه‌ی کارگری داوطلبانه است و حق عضویت باید راساً توسط کارگر عضو هر ماه به صندوق اتحادیه سپرده شود، تا داوطلبانه بودن عضویت به طور مکرر تایید شود. اگر چه تنها حدود دو درصد از کارگران تصمیم می‌گیرند که عضو اتحادیه نشوند، اتحادیه‌ی کارگری در وظایف خود منافع همه‌ی کارگران صرف نظر از عضویت آنان را در نظر می‌گیرد و کارگرانی که عضو نیستند، در مجامع عمومی - ولی نه جلسات اتحادیه‌ی کارگری - حق صحبت و رای دارند.

ده درصد حق عضویت کارگران، صرف اداره‌ی امور «بخش» می‌شود و مابقی، هزینه‌ی فعالیت‌ها و کادر اتحادیه را در سطوح بالاتر تامین می‌کند. هزینه‌ی امور بخش شامل فعالیت‌هایی چون برگزاری کلاس‌های آموزشی، کنفرانس‌ها، مجامع اجتماعی و فرهنگی و امور دفتری می‌شود. رهبری «بخش» و «بور» معمولاً داوطلبانه است، یعنی کادر منتخب رهبری کماکان به فعالیت شغلی خود ادامه می‌دهند. اما کادر رهبری در سطح شهر، استان و کشور از اتحادیه حقوق می‌گیرند. بخشی از بودجه‌ی اتحادیه صرف جوایزی می‌شود، که اتحادیه به کارگران نمونه می‌دهد. این جوایز معمولاً شامل استفاده از یکی از رستوران‌های خوب محل، وسایل خانگی‌ی چون تلویزیون رنگی و یا امکان استفاده‌ی رایگان از ویلاهایی است، که اتحادیه در کنار دریا یا نقاط مطلوب دیگر برای چنین کارگرانی ایجاد کرده است.

انتخابات محلی اتحادیه‌ها به نحوی دموکراتیک انجام می‌شود. اوونسون توضیح می‌دهد که چگونه کارگران حق تعیین نامزد انتخاباتی را به طور مستقیم دارند، در حالی که اخذ رای به طور مخفی انجام می‌شود. هر بخش اتحادیه‌ی کارگری حداقل پنج نفر را برای کادر رهبری‌اش انتخاب می‌کند، اما کارگران می‌توانند هر تعداد را نامزد رهبری اتحادیه کنند. عضویت در حزب کمونیست شرط نامزدی یا انتخاب افراد نیست و اکثریت رهبران عملی اتحادیه‌ها عضو حزب کمونیست نیستند. کارگران حق دارند هر زمان که مناسب بدانند با درخواست ۲۵ درصد از اعضا، جلسه‌ای برای استیضاح رهبران تشکیل دهند و در صورت تصمیم اکثریت، ایشان را از

که باید مورد بحث کنگرهی هجدهم قرار گیرد. اوونسون گزارش می‌دهد، که تقریباً ۶۶ هزار بخش از اتحادیه‌های کارگری (۸۱/۱ درصد از کل) در این نظرخواهی شرکت کردند و به عنوان یک بخش، نظرات خود را اعلام کردند. از این بین، ۵۳/۹ درصد «اتحاد» را بزرگ‌ترین دستاورد

مقام رهبری عزل کنند. انتخابات محلی اتحادیه‌ها هر دو سال و نیم انجام می‌شود. بخش‌های اتحادیه‌ها معمولاً هر هفته جلسه دارند و در صورت لزوم جلسات کوتاه روزمره نیز در محل کار برگزار می‌شود، تا مسائلی مد نظر طرح، بحث و حل شوند.

جدول دو: اتحادیه‌های سراسری گوبا و تعداد اعضای آنان*

سال ۲۰۰۱	درصد از کل	
۱۶۶،۱۵۸	۵/۵	۱- اتحادیه‌ی سراسری کارگران ادارت دولتی
۳۸۷،۷۶۲	۱۲/۸	۲- اتحادیه‌ی سراسری کارگران کشاورزی، دام داری و جنگل داری
۳۴۵،۳۵۵	۱۱/۴	۳- اتحادیه‌ی سراسری کارگران شکر
۱۳،۴۷۶	۰/۴	۴- اتحادیه‌ی سراسری کارگران علوم
۱۰۳،۲۶۸	۳/۴	۵- اتحادیه‌ی سراسری کارگران غیر نظامی نیروهای مسلح**
۲۸۲،۱۶۱	۹/۳	۶- اتحادیه‌ی سراسری کارگران بازرگانی، صنایع غذایی و خدمات
۳۹،۱۴۴	۱/۳	۷- اتحادیه‌ی سراسری کارگران ارتباطات
۲۱۲،۴۲۹	۷/۰	۸- اتحادیه‌ی سراسری کارگران ساختمانی
۶۷،۶۴۸	۲/۲	۹- اتحادیه‌ی سراسری کارگران امور فرهنگی
۳۸۶،۶۰۹	۱۲/۸	۱۰- اتحادیه‌ی سراسری کارگران آموزش و پرورش
۱۰۹،۷۷۹	۳/۶	۱۱- اتحادیه‌ی سراسری کارگران خدمات غذایی
۹۰،۷۰۲	۳/۰	۱۲- اتحادیه‌ی سراسری کارگران صنایع سبک
۱۰۳،۸۵۲	۳/۴	۱۳- اتحادیه‌ی سراسری کارگران صنایع شیمیایی، معادن و انرژی
۵۹،۸۷۶	۲/۰	۱۴- اتحادیه‌ی سراسری کارگران بازرگانی، دریایی، بنادر و ماهیگیری
۷۰،۸۱۹	۲/۳	۱۵- اتحادیه‌ی سراسری کارگران فلز و الکترونیک
۳۲۱،۳۱۳	۱۰/۶	۱۶- اتحادیه‌ی سراسری کارگران بهداشت و درمان
۶۸،۴۶۲	۲/۳	۱۷- اتحادیه‌ی سراسری کارگران تنباکو
۱۱۲،۱۱۰	۳/۷	۱۸- اتحادیه‌ی سراسری کارگران حمل و نقل
۸۴،۹۱۹	۲/۸	۱۹- اتحادیه‌ی سراسری کارگران هتل و جهانگردی
۳،۰۲۵،۷۴۳	۱۰۰	۲۰- کل اعضای اتحادیه‌های گوبا («مرکز کارگران گوبا»)

* این آمار کارگران متشکل در اتحادیه‌های کارگری برخی از مشاغل در کشاورزی، تعاونی‌های کشاورزی، «نیروهای مسلح»، و افرادی که به فعالیت‌های اقتصادی فردی یا خانوادگی مشغولند، کارآموزان و زندانیان را شامل نمی‌شود.
** این تعداد تنها شامل کادر غیر نظامی «نیروهای مسلح انقلابی» (ارتش) و وزارت کشور می‌شود.
منابع: مارتینس، ۲۰۰۳، صفحه‌ی ۱۸۳ و ضمیمه‌ی چهارم به گزارش اوونسون. حساب درصد کارگران متشکل در اتحادیه از من است و جمع این ارقام به دلیل تخمین به یک رقم اعشار، دقیقاً ۱۰۰ درصد نمی‌شود.

«(س. ت. س.)» دانستند. مشکل عمده از نظر بخش‌ها (۳۹/۸ درصد) کمبود حقوق بود. دومین مشکل عمده (۱۴/۸ درصد) نارسایی رابطه بین اتحادیه‌های محلی و سراسری و سومی (۵ درصد) فقدان برنامه‌ی تربیت کادر رهبری محلی. از جمله مسائلی پیشنهادی برای صورت جلسه‌ی کنگره‌ی هجدهم این‌ها بودند: «توجه به کارگران» (atencion al hombre) که اصطلاحی است، که به کیفیت کار و زندگی کارگران اشاره دارد (۴۱/۲ درصد)؛ جوایز برای کارگران نمونه (۳۶/۱ درصد)؛ طرح «بهبودی مدیریت واحدهای اقتصادی» (۱۴/۱ درصد)؛ از جمله دیگر مسائلی مورد توجه کارگران، شرایط درونی اتحادیه‌های کارگری و کارآمدتر شدن فرآیند پیمان جمعی بود.

طی ماه سپتامبر سال ۲۰۰۰، نمایندگان از همه‌ی واحدهای محلی در گردهمایی‌های شهری که در هر یک ۲۵۰ تا ۲۸۰ نماینده حضور داشتند، جمع شدند و در مورد مسائلی مورد نظرشان گفت و گو کردند. دستور

اتحادیه‌های سراسری کارگری و «(س. ت. س.)» هر پنج سال یک بار کنگره‌ی سراسری مربوط به خود را سازمان می‌دهند، تا مشی اساسی را در سایه‌ی تجربه‌ی گذشته و تعیین اهداف پنج سال آینده بحث و تعیین کنند. هر کنگره نقطه‌ی اوج یک دوره بحث مفصل و دموکراتیک است، که همه‌ی اعضا و بدنه‌ی اتحادیه را در برمی‌گیرد. گردهمایی‌های اتحادیه‌های شهر و استان در فاصله‌ی این کنگره‌ها صورت می‌گیرند. اوونسون فرآیند تدارک و برگزاری کنگره‌ی هجدهم «(س. ت. س.)»، که در ۲۸-۳۰ آوریل ۲۰۰۱ در هاوانا انجام شد، را مفصل توضیح می‌دهد؛ امری که من تا حدودی ناظر آن بودم و در موردش نیز نوشته‌ام. (نیری، ۲۰۰۰)

رهبری «(س. ت. س.)» تدارک برای کنگره‌ی هجدهم را با انجام یک نظرخواهی شروع کرد. سه سؤال در برابر کارگران قرار داده شد: ۱- بزرگ‌ترین دستاورد «(س. ت. س.)» در فاصله‌ی دو کنگره چه بوده است؛ ۲- مهم‌ترین منشاء نارضایتی کارگران کدام است؛ و ۳- پیشنهاد فهرستی از مسائلی

جلسه این گردهمایی‌ها از پیش تعیین نشده بود، تا خود کارگران مسایل مهم‌تر را برای بحث تعیین کنند. در پایان هر گردهمایی، حاضرین یک جمع بندی نوشته شده را به رهبری (س. ت. س.) ارسال کردند. بر اساس این نظرخواهی‌ها بود، که رهبری (س. ت. س.) سند اساسی کنگرهی هجدهم «تزاها» را آماده کرد و در اواسط اکتبر ۲۰۰۰ در نشریه‌ی سراسری خود «ترابهادورس» (کارگران) چاپ نمود. به دنبال چاپ و پخش «تزاها»، بخش‌های اتحادیه‌های کارگری به مطالعه و بحث آن پرداختند. بر اساس این بحث‌ها، بیش از ۱۶۰۰ نماینده برای شرکت در کنگرهی هجدهم انتخاب شدند.

«تزاها» پنج بخش داشت: «اوضاع کنونی»، که به بررسی شرایط اقتصادی و اجتماعی‌یی که جنبش کارگری در آن فعالیت می‌کند، می‌پرداخت؛ «مبارزه برای آینده»، که از چشم انداز سوسیالیستی انقلاب کوبا دفاع می‌کرد؛ «مبارزه برای کارآیی اقتصادی»، که به مشی اقتصادی و مساله‌ی حقوق‌ها می‌پرداخت؛ «تشکل اتحادیه‌های کارگری»، که با مساله‌ی بهسازی سازمان دهی اتحادیه‌ها روبرو می‌شد؛ و «مبارزات کنونی اتحادیه‌های کارگری در سطح جهان»، که هدف ایجاد اتحاد جنبش‌های کارگری در برابر تهاجم بین المللی سرمایه را دنبال می‌کرد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کنگرهی هجدهم، آغاز کارزار «مبارزه‌ی ایده‌ها» بود، که هدف ارتقای سطح فرهنگی جامعه‌ی کوبا - به ویژه کارگران - را دنبال کند که خود به نوشته‌ی مجزایی نیازمند است.

۵- رابطه‌ی اتحادیه‌های کارگری، حزب کمونیست و دولت

کسب قدرت سیاسی و گذار به سوسیالیسم، مستلزم ایجاد نهادهای قدرت مند کارگری است. اتحادیه‌های کارگری، احزاب کارگری و دولت کارگری از جمله‌ی این نهادها هستند. فرآیند عملی کسب قدرت سیاسی، ایجاد دولت انقلابی و رهبری سوسیالیستی در هر جامعه‌ای بنا به عوامل گوناگون تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ویژگی خود را دارد. در کوبا، امر گشایش انقلاب سوسیالیستی بر اساس وجود یک حزب کمونیست کارگری و ایجاد نهادهای قدرت سیاسی کارگری چون شوراهای کارگری و ایجاد یک دولت کارگری بر اساس این نهادهای سوسیالیستی واقع نشد. رهبری ۲۶ ژوئیه، دموکرات و ملی گرای انقلابی بود. به این معنا، که برای دست یابی به این اهداف دموکراتیک و ملی بر پایه‌ی بسیج توده‌ی کارگر و دهقان و با تکیه بر نهادهایی که طی مبارزات این طبقات به وجود می‌آمدند، عمل می‌کرد. زمانی که دینامیسم این مبارزه، اتخاذ جهتی ضد سرمایه داری و سوسیالیستی را لازم آورد، این رهبری ظرفیت رادیکال تر شدن خود را بمنصه‌ی ظهور گذارد. اتحادیه‌های کارگری نیز از ابزار تدافعی برای مبارزه پیرامون نیازهای اقتصادی کارگران، به سلاخی جهت تحقق چشم انداز سوسیالیستی بدل شدند. دولت موقتی که در ژانویه ۱۹۵۹ به ابتکار فیدل کاسترو از ائتلاف با شخصیت‌های بورژوازی کوبا به وجود آمد، به زودی به هنگام اتخاذ تصمیم جهت یک اصلاحات ارضی ریشه‌ای - که سرانجام زمین را ملی کرد و به زمین داری و بازار زمین پایان داد - با دولتی که منافع کارگران و دهقانان را منعکس می‌کرد، جایگزین شد. هم زمان، اکثریتی از جنبش ۲۶ ژوئیه زمینه را برای اتحاد با بخشی از «حزب سوسیالیست مردمی» و «رهبری دانش جویی» - که با رادیکالیزاسیون انقلاب کوبا هم جهت شده بودند - فراهم آورد و ایجاد حزب کمونیست کوبا در سوم اکتبر ۱۹۶۵ توسط فیدل کاسترو اعلام شد. هربرت ماتیوز، خبرنگار تیزبین روزنامه‌ی «نیویورک تایمز»، که از ابتدای جنگ انقلابی فرآیند انقلاب کوبا را دنبال کرده بود، می‌گوید: «او،

کاسترو، (در اعلام ایجاد حزب کمونیست) این را روشن کرد که «مسیر»، «عقاید»، «شیوه‌ی عمل» و «نظام» این حزب، کوبایی خواهد بود. در راس حزب همان دبیر کل و کمیته‌ی سیاسی و دبیرخانه‌ی منتخب و مرسوم جای داشتند، ولی شباهت این حزب با احزاب کمونیست نوع شوروی به همین‌ها محدود می‌شد.» (ماتیوز، ۱۹۷۵، صفحه‌ی ۲۳۵) دولتی که بر پایه‌ی تشکل و بسیج کارگران شهر و روستا و با هدایت سیاسی حزب کمونیست عمل می‌کرد، جهت گیری روشن سوسیالیستی به خود گرفت. در واقع، کلید تداوم و استقامت ۴۵ سال انقلاب کوبا چیزی جز هم گامی و هم دلی کارگران و زحمت کشان کوبایی با این رهبری و دولت انقلابی نیست. بر خلاف وضعیت موجود در جوامع سرمایه داری، رابطه‌ی این‌ها نه بر اساس تضاد طبقاتی، که بر اساس هم بستگی سوسیالیستی معنی می‌شود. البته صرف وجود دولت کارگری، حزب کمونیستی و تشکلات کارگری چون اتحادیه‌ها حاکی از وضعیت دوگانه‌ی دوران گذار از سرمایه به سوسیالیسم را دارد. در شرایطی که عقب افتادگی تاریخی جامعه‌ی کوبا (سلطه‌ی استعمار، سرمایه داری و امپریالیسم تا ۱۹۵۹)، سطح نازل استاندارد زندگی و بارآوری کار و عدم گسترش انقلاب سوسیالیستی در سطح جهانی به ویژه در کشورهای سرمایه داری صنعتی، امکان پیش روی سریع به سوسیالیسم را از کارگران و رهبری کمونیستی آنان سلب کرده است، توقع محو آثار سرمایه داری در برابر عمل کرد قانون ارزش از طریق بازار جهانی سرمایه داری و تهاجم پیگیر و بی امان اقتصادی، فرهنگی، دیپلماتیک و نظامی از جانب بزرگ ترین قدرت امپریالیستی در ایالات متحده، چیزی جز لغزش به پیش ایده آلیستی از تاریخ را نشان می‌دهد.

اونسون به طور مختصر به رابطه «س. ت. س.» با حزب کمونیست و دولت کوبا می‌پردازد. او می‌نویسد: «اگر چه حزب حکومت نمی‌کند، ادراک جامعه را در دست نگرفته است، و به قانون گذاری ننشسته است، اما رابطه‌ی وابستگی متقابل بین آن و دولت و اتحادیه‌های کارگری وجود دارد.» (اونسون، ۲۰۰۲، صفحه‌ی ۱۰) در گزارش اونسون و در نوشته‌ی حاضر، نمونه‌های متعددی از این «وابستگی متقابل» به صورت حرکتی دیالکتیکی که از صف کارگران نشأت می‌گیرد و بر رهبری اتحادیه‌ها، حزب و دولت اثر می‌گذارد و سپس از جانب این‌ها پیشنهاد می‌شود و صفوف کارگران را بسیج و متشکل می‌کند، دیده می‌شود. اونسون یادآور می‌شود، که طبق قانون اساسی کوبا (۱۹۹۲، ماده‌ی پنج) حزب کمونیست «عالی‌ترین مرجع راهنمای تشکل جامعه و دولت و کوشش عمومی جهت ساختمان سوسیالیسم و پیش رفت به سوی جامعه‌ی کمونیستی است.» اما لازم است، توجه کنیم که مرجعیت حزب کمونیست ناشی از نفوذ آن به دلیل گسترش دموکراسی سوسیالیستی است یا کاربرد شیوه‌ی اداری و دیوان سالار؟ تجربه‌ی تاریخی اتحاد شوروی، اروپای شرقی، چین، ویتنام و کره و هم چنین تجربه‌ی انقلاب کوبا با الگوی اتخاذ شده از اتحاد شوروی، همگی خطرات شیوه‌ی اداری دیوان سالار را بارها نشان داده است. انقلاب کوبا در عین حال، ظرفیت پذیرش دوره‌هایی از گسترش دموکراسی سوسیالیستی را نه به صورت الگوهای از پیش ساخته شده‌ی روشن فکران انقلابی، که در شکل نهادهای توده‌ای ناشی از مبارزات مشخص کارگران و زحمت کشان به منصه‌ی ظهور گذاشته است.

اونسون گزارش می‌دهد، که «مصاحبه با تعداد فراوانی از کارگران این ارزیابی را به دست می‌دهد، که نقش حزب و اتحادیه‌ی کارگری در محل کار مجزا و مستقل است.» در گزارش اونسون، نمونه‌های متعددی از جدا بودن و مستقل بودن سیاست‌های «س. ت. س.» از

دولت نیز وجود دارد. به عنوان مثال این‌ها را ذکر می‌کنم:

به کنون طی کرده‌اند. در بخش دوم این نوشته به جنبه های مشخصی از روابط کار در کوبا می‌پردازم، که در اول این نوشته به آنان اشاره شد.



توضیح:

۱- خانم دبرا اونسون رئیس «انستیتوی خدمات قانونی آمریکای لاتین» در شهر دیترویت میشیگان در ایالات متحده است. از اونسون نوشته های زیادی در مورد مسایل قانونی و جامعه‌ی کوبا در دست است. او نویسنده‌ی کتابی است تحت عنوان «میزان انقلاب: قانون و جامعه در کوبای حاضر».



منابع فارسی:

نیری، کامران (۲۰۰۰). «انقلاب کوبا در چشم اندازی تاریخی: یک بررسی متدولوژیک»، دفتر پنجم «نگاه»، صفحات ۲۵ تا ۳۶؛
نیری، کامران (۲۰۰۱). «کارگران و اتحادیه های کارگری در کوبا: گزارشی از کنگره‌ی هجدهم سازمان مرکزی کارگران کوبا»، «اندیشه جامعه»، شماره ۲۰، صفحات ۵۶ تا ۶۱، ۱۳۸۰؛



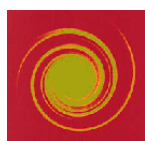
Castro, Fidel (1953). *History Will Absolve Me*. In Marta Harnecker, *Fidel Castro's Political Strategy: from Moncada to Victory*. New York: Pathfinder Press, 1987.
Castro, Fidel (1961). *Proclamation of the Socialist Character of the Cuba Revolution*, in Julio Garcia Luis (ed.), *Cuban Revolution Reader: A Documentary History*. Sydney: Ocean Press, 2001.

Constitution of the Republic of Cuba (1992). English edition, no place, no publisher. Evenson, Debra (2002). *Workers in Cub: Union and Labor Relations*. Detroit: The NLG/Maurice and Jane Sugar Center for Economic and Social Justice.

Hart, Armando (2004). *Aldabonazo: Inside the Cuban Revolutionary Underground, 1952-58*. New York: Pathfinder press.

Matthews, Herbert L. (1975). *Revolution I Cuba: An Essay in Understanding*. New York: Charles Scribner's Sons.
Nayeri, Kamran and Jane Mauldon (2004). "Economic Crisis and Access to Health Care: Cuban Health Care System since the Collapse of the Soviet Union." Berkeley: University of California, Memo.

Silvia Martinez Puentes (2003). *Cuba: Más Allá de los Sueos*. Habana: Editorial José Martí.



به شرکت‌های خارجی اجازه‌ی استخدام مستقیم کارگران را ندهد؛ امری که به ایجاد بازار آزاد کار منجر می‌شد. در نتیجه، شرکت‌های خارجی که در کوبا فعالیت می‌کنند باید برای استخدام کارگران به «موسسه‌ی استخدام» ویژه‌ی خود رجوع کنند، که شرح آن در بالا آمده است؛
– «بیمه‌ی تامین اجتماعی» در کوبا به دلیل موفقیت این کشور در افزایش سن شهروندان و بحران عمیق اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ با مشکل مالی روبرو شد. در سال ۱۹۹۴، دولت دو پیشنهاد در این رابطه به مجلس ملی برد، که متعاقباً در ۸۰ هزار جلسه‌ی کارگری – که به «پارلمان‌های کارگری» معروف شدند – هم راه با دیگر پیشنهادات دولت برای مقابله با بحران اقتصادی به بحث گذارده شدند. پیشنهاد اول این بود، که سن بازنشستگی را افزایش دهند. سن بازنشستگی هم اکنون برای مردان ۶۰ سال و برای زنان ۵۵ سال است. این پیشنهاد با مخالفت «س.ت.س.» و کارگران روبرو شد و مسکوت گذارده شد. پیشنهاد دوم این بود، که پنج درصد مالیات «بیمه‌ی تامین اجتماعی» از کارگران بگیرند. تامین اجتماعی تاکنون با هزینه‌ی واحدهای اقتصادی و دولت تامین می‌شود. کارگران و «س.ت.س.» با این پیشنهاد موافقت کردند، اما «س.ت.س.» استدلال کرد که حقوق کارگران در شرایط کنونی مکنفی نیست و اخذ مالیات به آینده‌ای که حقوق‌ها بهبود یابند، موقوف شود، که با این پیشنهاد موافقت شد.

اما مهم ترین مسائلی که در برابر اتحادیه های کارگری و «س.ت.س.» قرار دارد، افزایش ظرفیت رهبری عملی اتحادیه های کارگری است. «س.ت.س.» قدم‌های مهمی در این زمینه برداشته است و نسل جوانی از کارگران مبارز در موقعیت رهبری اتحادیه های کارگری قرار گرفته‌اند. یک نمونه‌ی بارز، سسیلیا والدز هجده ساله بود، که به تصمیم مدیریت در مورد عدم پرداخت یک روز حقوق یکی از کارگران اعتراض کرده بود. مدیریت به این بهانه‌ی «سیاسی»، که کارگر مذکور در مراسم روز ماه مه شرکت نکرده بود، از پرداخت یک روز حقوق او طفره می‌رفت. والدز استدلال کرد، که این اقدام قانونی نیست و سرانجام توانست مدیریت را مجبور کند حقوق کارگر مذکور را پرداخت نماید. روزنامه‌ی «تراباهادورس» (کارگران)، که ارگان سراسری «س.ت.س.» است، این کشمکش بین والدز و مدیریت را به طور مفصل گزارش کرد. والدز متعاقب این مبارزه به عنوان نماینده‌ی کنگره‌ی هجدهم انتخاب شد و سپس در آن کنگره به عنوان جوان‌ترین عضو رهبری «س.ت.س.» انتخاب گردید.

به این ترتیب، خواننده‌ی علاقه مند متوجه شده است که کارگران و اتحادیه های کارگری در کوبا با گام‌های بزرگی در ایجاد قدرت کارگری و تدارک شرایط برای کنترل کارگری و مدیریت کارگری برداشته‌اند. در این فرآیند، رابطه‌ی نزدیک کارگران شهر و روستا و تشکلات آنان با حزب کمونیست و دولت انقلابی، امکانات مهمی را برای فائق آمدن بر مشکلات عدیده‌ای که انقلاب کوبا با آن روبرو بوده است را فراهم کرده است. در عین حال، خواننده‌ی علاقه مند به این امر نیز توجه دارد، که رهبری انقلاب کوبا در حزب کمونیست و در اتحادیه های کارگری و دیگر نهادهای توده‌ای کارگران و زحمت کشان، طرحی از پیش ساخته برای فائق آمدن بر مسایل گذار به سوسیالیسم ندارد. آینده‌ی این امر خطیر را مبارزه تعیین خواهد کرد و گسترش انقلاب سوسیالیستی در دیگر نقاط جهان، یعنی پیوستن کارگران و قدرت دولتی آنان در دیگر کشورها – به ویژه در کشورهای سرمایه داری صنعتی – به مسیری که انقلابیون کوبایی از سال ۱۹۵۹ تا